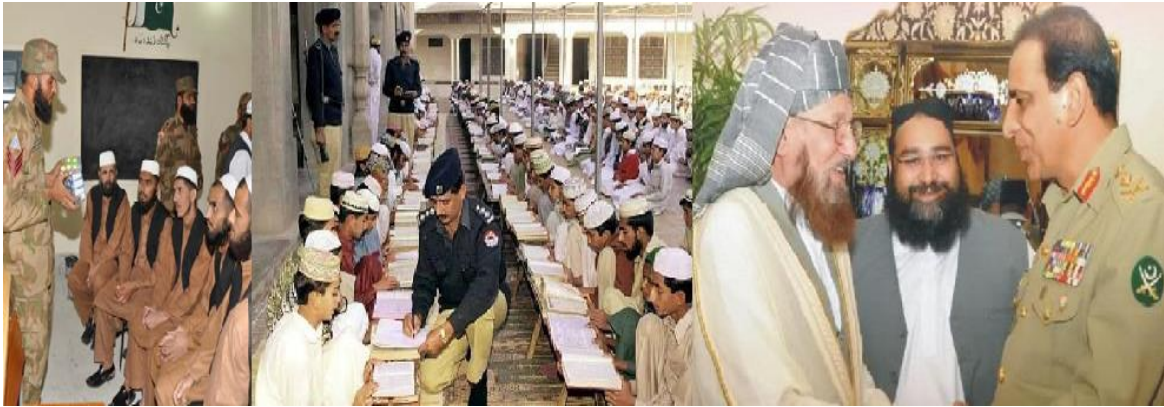


# آیا پاکستان اصلی را شناخته ایم؟؟؟

**( در راستای گزاندیشی نواز شریف و پاکستان وساده اندیشی اشرف غنی افغانستان )**

**قسمت اول ( استاد صباح )**

**« سه اهداف مهم و استراتژیک پاکستان : شیوه نظامگری، تربیه افراطگرایی و نابودی کشورهای همسایه »**



به پاکستان بگواز خود شنیدی  
توقهري ملتي افغان ندیدی  
اگر باري منم روزي بیايد  
بندگان کلک خودخواهي گزیدی  
درین پژوهش میخوانید:

- سازمان جهنمی و جاسوسی ( آی- اس - آی ) را بشناسیم
- برای اولین بار معرفی تمام احزاب ، سازمانها، مدرسه های چوچه کشتی تروریستی و بنیادگرایی و جریانهایی سیاسی و افراطی پاکستان
- گلوی خونین افغانستان و چنگال خون آلوده پاکستان
- مجاهدین و سازمانهای استخباراتی پاکستان
- طالبان و شبکه های جاسوسی و مدارس بنیادگرایی
- آمریکا ، پاکستان ، افغانستان و طالبان
- ...

معرفی کشور پاکستان

پاکستان که نفوس آن صد و هشتاد و هفت میلیون و سه صد و چهل و دو هزار نفر است، هم اکنون دارای ششصد و هفده هزار پرسونل فعال نظامی است و تعداد نیروهای ذخیره این کشور پنجصد و یازده هزار نفر است. نیروی زمینی پاکستان دارای دو هزار و ششصد و چهل دستگاه تانک، چهار هزار و ششصد و بیست و سه تانک، دو هزار و ششصد و بیست و سه توپ، دو صد دستگاه راکت زمین به هوا، سه هزار و دو صد و سیصد و بیست و یک راکت، سه هزار و چهار صد و سیصد و بیست و یک تانک، دو هزار و بیصد دستگاه دافع هوا و یازده هزار و بیصد و سیصد و بیست و یک وسیله نقلیه لوژستیک است. نیروی هوایی پاکستان نیز دارای هزار و چهار صد و چهارده فروند جنگنده و هواپیما، پنجصد و سی و پنج بال هلیکوپتر و صد و چهل و هشت فروند دستگاه نظامی است. نیروی دریایی پاکستان نیز دارای یازده فروند کشتی، دویست و پنج زیر دریایی، یازده کشتی گزیده نظامی، یازده کشتی، یک ناوشکن و یک کشتی جنگی ساحلی است. نیروی دریایی پاکستان دارای کشتی عمل کننده طیاره نیست. بودجه نظامی پاکستان هر سال از شش تا هفت میلیارد دلار رقم زده میشود. پاکستان دارای مساحت هفتصد و نود و شش هزار و نود و پنج کیلومتر مربع، هزار و چهل و شش کیلومتر خط ساحلی و شش هزار و هفتصد و هفتاد و چهار کیلومتر مرز مشترک است.

حکومت پاکستان، جمهوری اسلامی است. زبان ملی پاکستان، اردو و زبان رسمی و اداری انگلیسی می باشد. همچنین زبانها و لهجه های محلی فراوانی در ایالات مختلف این کشور رایج بوده که مهمترین آنها پنجابی چهل هشت درصد، سندی دوازده درصد، سیرانیکي ده درصد بر اهوئی هشت درصد، اردو هشت درصد، پشتو هشت درصد و بلوچی سه درصد است. اکثریت مردم، حدود نود هفت درصد، مسلمان هستند که از این تعداد بیش از بیست پنج درصد شیعه می باشند. سه درصد بقیه نیز از اقلیت های مذهبی بوده که شامل مسیحی، هندو و سیک، بودایی و زرتشتی می باشند. اقلیت های مذهبی در این کشور در صورت احراز شرایط می توانند به جز پست های ریاست جمهوری و نخست وزیری، هر پست دیگری را احراز نمایند. همچنین درصد محدودی از نمایندگان مجالس ملی و ایالتی به اقلیتها اختصاص دارد.

پاکستان دارای چهار ایالت پنجاب، سند، خیبر پشتونخواه و بلوچستان می باشد که هر کدام دارای يك دولت محلی و مجلس ایالتی با اختیارات محدود هستند. همچنین منطقه ویژه ای بنام فاتا تحت مسئولیت حکومت های محلی و قبایلی قرار دارد و مناطق شمالی نیز که در گذشته نزدیک تحت حکومت مرکزی اداره می شد، هم اکنون بعنوان ایالت بلتستان - گلگیت دارای والی و سر وزیر شده است.

رئیس جمهور و نخست وزیر برای مدت پنج سال توسط پارلمان انتخاب می شوند. دوره نمایندگانی مجالس ملی و ایالتی نیز پنج سال می باشد. مدت خدمت اعضای مجلس سنا شش سال است که هر سه سال نیمی از اعضای آن بازنشسته می شوند و برای پر نمودن کرسی های خالی انتخابات جدید غیر مستقیم برگزار می گردد.

پایتخت پاکستان، شهر اسلام آباد می باشد که در سال نوزده شصت دومیادی ایجاد شده است. اسلام آباد شهری غیر تجارتي و محل استقرار نهادهای مرکزی اداره کشور می باشد. سیستم حکومتي این کشور فدرالی - پارلمانی است.

پاکستان دارای دو مجلس ملی و سنا و چهار مجالس ایالتی می باشد. در غیاب رئیس جمهور، رئیس مجلس سنا اداره امور کشور را نیابتاً بعهده می گیرد و در صورت انحلال مجلس سنا، رئیس ستره محکمه، کفیل ریاست جمهوری خواهد بود.

پاکستان با بیش از یکصد و هشتاد میلیون نفر نفوس که ۴۳ درصد از افراد بالای ۱۵ سال آن باسواد است. چهار گروه عمده نژادی در ایالات مختلف پاکستان زندگی می کنند: پنجابی ها در ایالت پنجاب، سندی ها در ایالت سند، بلوچ ها در ایالت بلوچستان و پتانها یا پشتونها در ایالت خیبر پشتونخواه و کوئته.

پاکستان به عنوان یک جامعه اسلامی شناخته می شود و تعداد بی شماری از گروه های اسلامی در این کشور در حال فعالیت میباشد. گروه های مذکور که اغلب متمایل به انجام فعالیت سیاسی هستند. بنا بر میزان نفوذ و گستردگی فعالیت، به گروه های محلی و ملی تقسیم می شوند که در هر صورت نقش تعیین کننده ی در تحولات سیاسی و ملی ایفا می کنند. این احزاب و گروه ها اغلب دارای مدارس مذهبی مختص به خود بوده و از طریق مدارس مذکور به آموزش اعضا می پردازند. مهمترین این گروه ها در سطح ملی که اغلب از دیدگاه های ویژه ی نسبت بحران افغانستان برخوردارند، ترکیب مذهبی در پاکستان.

(الف) اهل سنت: که شامل فرقه های ذیل می باشند:

۱) بریلویان

۲) دیوبندیان

۳) اهل حدیث

۴) وهابیان علمای اهل سنت در پاکستان دو گروه می باشند و هر یک مدارس و مراکز مذهبی متعدد دارند:

- اهل حدیث که بسیار نزدیک به وهابیان هستند

- اهل سنت که هر چند ممکن است جزء گروهی خاص از صوفیان نباشند ولی به هر حال ایدئولوژی صوفیان را دارند و به اهل تشیع از این نظر نزدیک می باشند.

(ب) تشیع: تقریباً ۲۵ درصد مردم پاکستان را شیعیان تشکیل می دهند اکثر شیعیان امامیه بوده، اسماعیلیه هاو اندکی نیز زیدیه هستند.

(ج) سایر مکاتب و مذاهب غیر اسلامی:

۱) مسیحیان ۳ درصد

۲) هندوان

- ۳ (سیک ها)
- ۴ (زرتشتیان)
- ۵ (یهودیان)
- ۶ (بودائیان)
- ۷ (قادیانیان)
- (د) سلسله های تصوف :

- ۱ (چشتیان)
- ۲ (سهروردیان)
- ۳ (نقشبندیان)
- ۴ (قادیانان)

روحانیون در پاکستان دو گروه سنی و شیعه هستند و هرکدام مراکز دینی مخصوصی دارند. مدارس عمده اهل سنت عبارت است از: جامعه اشرفیه و جامعه نعیمیه در لاهور، خیرالمدرس و دارالعلوم در ملتان. دارالعلوم حقانیه در اکوره ختک، جامعه اشرفیه در مشاور، جامعه اسلامی در بهاولپور و مرکز تعلیمات اسلامی، مدرسه عربیه مظهر العلوم، مدرسه البنات ویژه بانوان، جامعه خارقویه و دارالعلم امجدیه در کراچی. اهل تشیع نیز مراکز دینی متعدد در شهرهای مختلف دارند، از جمله: مرکز بزرگ دینی المنتظر در لاهور، جامعه اهل بیت در اسلام آباد، مدرسه مومن، مدرسه آیت الله حکیم در راولپندی، مدرسه مشاع العلوم در حیدرآباد و مدرسه امام صادق در کوئته. مواد درسی این مدارس عموماً از مدارس دینی ایران اقتباس می شود و مدرسان آن در نجف، قم و پاکستان تحصیل کرده اند. فرقه ی از شیعیان اسماعیلیه در پاکستان بیشتر در مناطق پنجاب و شمال غربی پاکستان وجود دارند که غالباً پیروان آقا خان می باشند. در این جا لازم به ذکر است که در خصوص اجرای نظام اسلامی در پاکستان یک کشاکش سه جانبه داخلی بین دنیاگرایان، بنیادگرایان و نوگرایان پاکستانی وجود دارد. دنیاگرایان به جدا نمودن دین و سیاست معتقدند و تمایل دارند که پاکستان روش ترکیه را دنبال کند، اینان مدعی هستند که پاکستان بر اصل ملیت تشکیل شده و ملیت یک ایده دنیا پرستانه است. در مقابل بنیادگرایان خواهان آنند که در پاکستان بر اساس خطوط قرآنی حکومت اسلامی تشکیل گردد.

#### احزاب و نهادهای دینی در پاکستان

در طول ۵۰ سال گذشته رهبران پاکستان همواره برای حفظ مقام و قدرت خود احساسات مذهبی مردم را به بازی گرفته و به نام اسلام، کسب قدرت را پیشه کرده بودند، لذا واکنش منفی نسبت به رهبران سیاسی در اذهان مردم ایجاد شد و توده ها از آنان روی گردانیده به سوی رهبران مذهبی گرایش پیدا کردند. تقریباً در ۳۰ سال اول تاسیس پاکستان، یگانه حزب مذهبی، جماعت اسلامی بود که در صحنه سیاست، فعالیت چندانی نداشت. (در این جا لازم به یادآوری است که در شبه قاره هند از دیرباز دو گونه اسلام رواج داشته است، یکی اسلام بر لوی یا اسلام عرفانی و دیگری اسلام دیوبندی که اسلامی است سنتی و بنیادگرا. در زمان استقلال پاکستان بر لوی ها بر امور تسلط داشتند، اما با پیشرفت پاکستان، فرقه دیوبندی قدرت بیشتری پیدا کرد). ولی در دوره حکومت نوالفقار علی بوتو یک حزب مذهبی دیگر به نام جمعیت علمای اسلام به رهبری منفی محمود، در ایالات سرحد و بلوچستان قدم علم کرد. از جانب دیگر مدارس مذهبی به تدریج افزایش یافتند. در سال ۱۹۴۷ فقط ۱۳۷ مدرسه در این کشور وجود داشت که تا سال ۱۹۹۴ شمار آنان تقریباً به ۱۴۰۰ باب و تعداد طالبان این مدارس به متجاوز از ۱۵۰۰۰۰ نفر رسید. در این میان در سال ۱۹۷۹ قانون عشورزکات تصویب شد و طالبان به هیات های توزیع زکات پیوستند و مسوولیت توزیع پول بین فقرا و مستمندان را به عهده گرفتند و در این مورد با دستگاه اداری محلی و مسوولان دولت رابطه برقرار کردند، به این وسیله برای نخستین بار روحانیون تا حدی دارای نفوذ سیاسی و اجتماعی شدند و در انتخابات شرکت کردند و در سطح شهر، اداری و قانون گذاری در تشکیلات دولتی سهم شدند. فرقه گرای مذهبی از این زمان آغاز شد.

دو گروه مذهبی با عقاید متفاوت احزاب سیاسی مخالف یکدیگر را، تشکیل دادند و هر دو با کشورهای دیگر اسلامی ارتباط برقرار نمودند. قوانین اسلامی مورد اختلاف در زمان ضیاء الحق، و درگرمگرم به اصطلاح جهاد افغانستان که وسیله

غریبان مدیریت و رهبری میگردید، گرایشات فرقه های مختلف جهت اجرای قانون شریعت، دسترسی مردم به سلاح و ایجاد محاکم شرعی، فضای تشنج را در جامعه در زمان ضیاء الحق، گرایشات فرقه های مختلف جهت اجرای قانون شریعت، دسترسی مردم به سلاح و ایجاد دادگاه های شرعی، فضای تشنج را در جامعه افزایش داد. در شهرهای بزرگ و در دهکده ها برخورد های فرقه ای روی داد و تعدادی از رهبران روحانی از جمله عارف الحسینی، رییس نهضت اجرای فقه جعفری، روسای انجمن سپاه صحابه پاکستان مولانا حق نواز و ضیاء الحرمین فاروقی ترور شدند. در سال ۱۹۷۲ از میان ۸۹۳ مدرسه مذهبی در پاکستان ۲۵۴ دیوبندی (وهابی)، ۲۶۷ بریلوی (حنفی)، ۱۴۴ اهل حدیث (با گرایش وهابی)، ۴۱ شیعه و ۱۰۵ مدرسه از عقاید متفاوت دیگر بودند. دشمنی ها سخت و اقدامات تروریستی شیعه و سنی منجر به تلفات جانی و مالی بسیار تاسف باری شد که هنوز هم ادامه دارد و ادامه خواهد داشت و از مسایل حساس این کشور است. پاکستان از معدود کشورهای است که جز دین مشترک بین جمعیت آنان، هیچیک از عناصر تشکیل دهنده دولت ملی در محدوده سرزمینی خاص را بنابر عرف سیاسی امروز قرار نداده است.

همچنان فرقه دیوبندی نزدیک سه قرن پیش در شبه قاره هند تولد یافت و پایه گذار آن، «شاه ولی الله خان دیوبندی»، از بزرگان دینی حنیفه بود. شمال پاکستان از لحاظ مذهبی از دیرباز متأثر از کسانی بود که ریشه دیوبندی داشتند. از همین رو، جنبش دیوبندی پس از تجزیه پاکستان از هند، به آسانی توانست در این مناطق، مراکزی برای گسترش خود بیابد. مبانی جنبش دیوبندی عبارت است از پاکسازی اسلام از عناصر ناپاک. آیین جهاد به عنوان یگانه راه مبارزه با کفر و شرک، به ویژه در مبارزه با مذهب شیعه و اولیای مقدس که در منطقه رواج دارد. آیین دیوبندی در تمام این نکات با وهابی گری مشترک است. آنها تا امروز بیش از چهل هزار مدرسه مذهبی در هند، پاکستان، آسیای مرکزی و همچنین افغانستان تأسیس کرده اند. اما فعالیت های دیوبندی ها به مدرسه دیوبند محدود نماند و آنها احزاب و گروه های سیاسی و مذهبی مختلفی تشکیل داده و بدین وسیله بر تحرکات خود افزوده اند. هواداران دیوبندی از نظر سیاسی در سازمان جمعیت علمای اسلام که از مهم ترین احزاب پاکستان است، متشکل شده اند. جمعیت علمای اسلام به رهبری مؤسس جدید خود، «مولانا بشیر احمد عثمانی» به حزب سیاسی مذهبی دیوبندی ها تبدیل شد. این حزب، امروز به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم شده است. رهبری جناح اکثریت را «مولانا فضل الرحمان» و رهبری جناح اقلیت را «مولانا سمیع الحق» به عهده دارد. این دو رهبر، هر دو متعلق به گروه قومی پشتون هستند و از لحاظ فکری خود را طرفدار سرسخت قرآن و سنت و سیره خلفا و صحابه می دانند و معتقد به نظریات علمای سلف و مخالف با اجتهاد و تجدد هستند. روابط این دو رهبر پشتون تبار دیوبندی با گروه طالبان، عمیق و ریشه دار است.

یکی دیگر از فرقه های مذهبی مؤثر در ایجاد پدیده طالبان پاکستانی، فرقه وهابیت است. پس از استقلال پاکستان، چند عامل مهم در ترویج اندیشه وهابی در پاکستان مؤثر افتاد، که مهم ترین آنها روابط گسترده با عربستان بود. این روابط از دوره حکومت «ذوالفقار علی بوتو» وارد مرحله نوینی شد و در دوره جنرال «ضیاء الحق» به اوج خود رسید. وهابیان سعودی به بهانه کمک های آموزشی و انسان دوستانه به مهاجران افغان ایالت بلوچستان، مراکز متعددی تحت عنوان «موسسه الدعوه الاسلامیه»، «اداره الاسراء»، «موسسه مکه المکرمة الخیریه» و «موسسه مسلح تأسیس کردند و از طریق کمک های مالی، فرهنگ ضد شیعی و وهابیت و سیاست های خود را تبلیغ می کردند. وهابیون همچنین، به شیوه هایی مثل توزیع کتاب، جلسات سخنرانی، فیلم، نوار و عکس، به آوارگان و مهاجران سنی مذهب مقیم این ایالت آموزش می دادند.

وهابیان از این راه در پاکستان به ترویج افکار و اندیشه های «محمد بن عبدالوهاب» می پردازند.

از مهم ترین اصول مذهب وهابیون، تکفیر هر مسلمانی است که با عقیده آنان هم رأی نباشد.

احزاب و گروه های زیادی در پاکستان وجود دارند که طرفدار وهابیت هستند و عربستان سعودی نیز کمک های مالی زیادی به این احزاب می کند. حزب جماعت اسلامی، جمعیت اهل حدیث، جمعیت علمای اسلام، حرکت المجاهدین کشمیر، حزب جماعت اسلامی کشمیر و سپاه صحابه از جمله این احزاب هستند. در سال دو هزار چهارم، بنیاد گرایان اهل تسنن، از طریق ارتباط برقرار کردن با برخی از سازمان های شبه نظامی مانند «سپاه صحابه» پاکستان، دست به قتل های هدفمند زدند، این قتل ها مسلمانان شیعه، مسیحیان، احمدیان و دیگر اقلیت های دینی را در برمی گرفت.

به گفته « ایجاز الحق » فرزند ضیاء الحق، که قبلاً وزیر امور مذهبی پاکستان بوده است، از کل مدارس مذهبی موجود در پاکستان، هشت هزار مدرسه زیر نظر سازمان های دیوبندی، هزار و هشتصد مدرسه زیر نظر سازمان های بریلوی، چهارصد مدرسه زیر نظر سازمان های اهل حدیث، سه صد هشتاد و دو مدرسه زیر نظر سازمان های شیعه و هزار و دصد مدرسه زیر نظر جماعت اسلامی پاکستان فعالیت می کنند . کارکرد اصلی بخشی از این مدارس، آموزش نیروهای تندرو اسلام گرا است و به دانش آموزان و دانشجویان (طالبان) عمدتاً آموزش های مذهبی داده می شود، ولی دیگر علوم و حتی کمپیوتر نیز تدریس می شود . در مدارس مذهبی پاکستان که تحت کنترل سازمان های بنیادگرای افراطی است، زبان رسمی، زبان عربی است و شیوه و مضامین مدارس نیز کاملاً مذهبی است. این دسته از مدارس دارای شعبه های فرعی هستند که در آن نیروهای اسلام گرا آموزش نظامی نیز می بینند .

مدارس مذهبی بنیادگرای افراطی عمدتاً محصول پس از دهه نوزده هشتاد هستند. به عنوان مثال تا سال نوزده هفتاد هفت مدارس مذهبی پاکستان بسیار کوچک و غیرفعال بودند. در دهه پنجاه فقط دوصد و چهل چهار مدرسه در پاکستان فعال بود . در دهه شصت تعداد این مدارس به پنجصد باب رسید. در اوایل دهه هفتاد این مدارس به هفتصد باب افزایش یافت و از سال نوزده هفتاد هفت تا نوزده هشتاد هشت سیر صعودی مدارس مذهبی در پاکستان شتاب بی سابقه ای یافت . چهار عامل اساسی در رشد مدارس مذهبی در پاکستان نقش داشته اند، که از آن جمله می توان به قدرت یافتن ژنرال ضیاء الحق، بحران کشمیر، بحران افغانستان و انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد .

در حقیقت، فرقه های وهابی و دیوبندی به منظور گسترش اندیشه های خود در میان مردم، به ویژه جوانان، دست به ایجاد مدارس مذهبی زدند و برای توسعه هرچه بیشتر این مراکز تلاش کردند، به طوری که در حال حاضر حدود 01 هزار مدرسه دینی در سرتاسر پاکستان وجود دارد، که گفته می شود احساسات فرقه گرایی را در میان طلاب خویش تقویت می کنند. این مراکز به ظاهر آموزشی - توسط اعضای احزاب مذهبی و به منظور جذب نیروهای جوان برای جهاد در افغانستان و سایر کشورها به کار گرفته می شدند .

در مناطق قبیله ای پاکستان نیز از مدارس مذهبی برای اهدافی غیر از آموزش و پرورش مثل ذخیره کردن جیره های سرقت شده از سازمان های غیردولتی و انبار اسلحه، استفاده می شود . بنابراین، مدارس مذهبی پاکستان به عنوان موتور رشد و حرکت پرشتاب وهابی گری، به ویژه در شکل طالبانیسم آن در منطقه محسوب می شود. در هیچ جای دنیا بستری مساعدتر از پاکستان برای رشد مدارس مذهبی و ترویج نامحدود و کنترل اندیشه های رادیکال وجود ندارد . در این کشور مدارس اکنون چنان عمق اجتماعی پیدا کرده اند که شاید بتوان گفت با وضعیت موجود، هیچ شانسی برای برخورد جدی و کنترل آنها برای دولت پاکستان وجود نداشته باشد .

مدارس مذهبی پاکستان که در پهلوی دروس دینی آموزشهای نظامی و ویرانگری نیز پیش برده میشود:

مدارس علوم دینی اهل سنت

-جامعه اشرفیه- لاهور

-مدرسه دارالعلوم- ملتان

-خیر المدارس- ملتان

-جامعه اسلامیة- بهاولپور

-دارالعلوم حقانیة- اکوره ختک

-جامعه نعیمیة- لاهور

-جامعه اشرفیه - پیشاور

-مرکز تعلیمات اسلامی- کراچی

-مدارس علوم دینی - بریلوی ها

-مدرسه نظیر الایمان - بریلی

-مدرسه نعمانیة - لاهور

-مدرسه حزب الاحناف - لاهور

-مدرسه نعمانیة رضویة- لاهور

-حزب نعیمیہ - لاہور  
-فیضیہ رضویہ -احمدپور  
-مدرسہ محمدیہ نموثیہ - بہیرہ  
-مدرسہ اسلامیہ- عربیہ کمال اسلام- آستانہ عالیہ توگہرہ  
-مدرسہ رضاء المصطفیٰ- بہاولپور  
-مدرسہ رضویہ- رحیم یار خان  
-مدرسہ حنفیہ فریدیہ- بصیرپور  
-مدرسہ رضویہ نقشبندیہ - سالنگر  
-مدرسہ حامدیہ رضویہ- کراچی  
-مدرسہ انوار العلوم- ملتان  
-مدرسہ امجدیہ - کراچی  
-مدرسہ رضویہ عربیہ - ہارون آباد  
-مدرسہ رضویہ ضیاء العلوم - راولپنڈی  
-مدرسہ رضویہ ضیاء العلوم- راولپنڈی  
-مدرسہ نقشبندیہ فیض مصطفیٰ  
-مدرسہ غوثیہ - حولی گلہا  
-مدرسہ محمودیہ - رضویہ بیلان  
-مدرسہ رضویہ نظیر الاسلام - ملتان  
-مدرسہ رضویہ نظیر الاسلام - فیصل آباد  
-مدارس علوم دینی پیروان اہل بیت  
-حوزہ علمیہ آیت اللہ حکیم - راولپنڈی  
-مدرسہ مؤمن - راولپنڈی  
-مرکز بزرگ دینی المنتظر جامعہ المنتظر - لاہور  
-جامعہ اہل بیت - اسلام آباد  
-مدرسہ مشارع العلوم -حیدرآباد  
-مدرسہ جعفریہ - پاراچنار  
-جامعہ شہید عارف حسین - پیشاور  
-جامعہ قبازردیہ - اسکردو  
-جامعہ محمدیہ - بلتستان  
-جامعہ الامام الحسین(ع) - کراچی  
-جامعہ امامیہ - کراچی  
-مدرسہ جعفریہ - کراچی  
-مدرسہ امام صادق - کویتہ.